چه خبر از اقتصاد

عزم اروپا برای حفظ برجام

رییس کل بانک مرکزی، در دیدار سفیر اتریش، ضمن تشکر از همکاری‌های موثر کشور اتریش در پسابرجام گفت: این امر در ارتقای روابط اقتصادی و نیز تشویق سایر کشورهای اروپایی اثرگذار بوده است. به عنوان نمونه واکنش اخیر کشورهای اروپایی از جمله اتریش در مقابل کارشکنی‌های دولت ترامپ در تایید پایبندی ایران به برجام، قابل تقدیر است؛ چراکه ادامه این رفتار از سوی کشورهایی همچون اتریش موجب خواهد شد تلاش‌های امریکا برای بی‌اثر کردن برجام بی‌نتیجه بماند. ولی‌الله سیف گفت: دولت آقای ترامپ در تلاش است این باور را ایجاد کند که در ایران ثبات وجود ندارد و مانع از حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ایران شود. در این رابطه عزم جدی اروپا در حفظ برجام تاکنون توانسته تا حدی این مشکل را برطرف کند و ادامه این رفتار علاوه بر ایجاد منافع اقتصادی برای طرفین، نقش کلیدی در حفظ ثبات و صلح در منطقه و جهان دارد. سیف وجود روابط کارگزاری بانکی روان و آسان را حمایت از مبادلات اقتصادی خواند و گفت: در این مسیر اتریش توانسته نگرانی بانک‌های کشور خود و سایر کشورهای اروپایی را کاهش داده و موجب حضور بانک‌های بزرگ در عرصه همکاری‌های بین‌المللی با ایران شود. ادامه این روند کمک بزرگی به بهبود روابط دو کشور خواهد بود. بانک مرکزی

چتر نظارتی کمیسیون امنیت ملی بر ساماندهی موسسات غیرمجاز

نایب‌رییس کمیسیون امنیت مجلس با بیان اینکه موسسات مالی غیرمجاز و برخی صندوق‌ها، مشکلات عدیده‌ای را برای مردم و کشور رقم زدند، گفت: در حال حاضر رسیدگی به وضعیت این موسسات در حال انجام بوده و اقدامات خوبی تاکنون صورت گرفته است. محمدمهدی برومندی با تاکید بر اینکه بانک مرکزی در ساماندهی موسسات مالی و اعتباری، روند رو به جلویی داشته است، افزود: مجلس نیز روند ساماندهی این موسسات را رصد کرده و نظارت دقیقی بر آنها دارد. او ادامه داد: دولت در ممانعت از ایجاد قارچ‌گونه موسسات مالی غیرمجاز موفق عمل کرده و از حیث ساماندهی موسسات غیرمجاز، نمره قبولی دریافت می‌کند؛ به نحوی که با ادغام صندوق‌های مالی غیرمجاز که برای کشور و مردم مشکل ایجاد کرده بودند، شبکه مالی کشور را ساماندهی کرده است. نایب‌رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با بیان اینکه این کمیسیون به صورت مداوم، به روند رسیدگی به این موسسات، نظارت داشته و با گزارش‌گیری‌های منسجم، از آخرین وضعیت آنها اطلاع حاصل می‌کند، خاطرنشان کرد: کمیته‌ای تحت عنوان امنیت اقتصادی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، به رصد اقدامات انجام شده برای ساماندهی موسسات مالی و اعتباری مشغول است. برومندی در پاسخ به این سوال که مقصران ایجاد موسسات غیرمجاز چه کسانی هستند، تصریح کرد: این موضوع به گذشته و عدم رعایت قانون، سوءبرداشت و سوءاستفاده از قوانینی که در کشور وجود داشته مربوط می‌شود و نمی‌توان مقصر مشخصی برای آن معرفی کرد. مهر

نسخه عسگراولادی برای قیمت دلار

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران از افزایش حدود شش درصدی صادرات در یکی-دو ماه گذشته خبر داد و گفت: نرخ فعلی دلار واقعی نیست و باید به ۴۲۰۰ تومان کاهش یابد. نرخ فعلی دلار واقعی نیست و دولت هم نمی‌تواند نرخ آن را پایین بیاورد. اسدالله عسگراولادی افزود: نرخ واقعی ارز از عدد فعلی کمتر است و باید حدود ۴۲۰۰ تومان در نظر گرفته شود. اما دولت هم نمی‌تواند نرخ ارز را پایین آورد، چون باید ذخایر ارزی داشته باشد تا بتواند در بازار عرضه کند و نرخ را کاهش دهد. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران اضافه کرد: اگر دولت ارز کافی داشته باشد و بتواند در بازار عرضه کند باید پنج درصد نرخ ارز کاهش پیدا کند و به ۴۲۰۰ تومان برسد که البته این در صورتی است که چنین امکانی وجود داشته باشد. عسگراولادی با بیان اینکه تثبیت نرخ ارز به نفع اقتصاد است، تصریح کرد: صادرکنندگان صادرات خود را بر اساس نرخ ۴۲۰۰ تومان تنظیم کرده‌اند ولی افزایش آن اثر زیادی بر صادرات نداشته است. ایسنا

وزارت کار

گزارش «اعتماد» از دلایل فربه شدن وزارت کار در بنگاهداری

وزارت کار؛ سیاستگذار یا بنگاهدار

چرا وزارت کار از نهادی سیاستگذار و تصمیم‌ساز به نهادی بنگاهدار تبدیل شده و جای وزارت صنعت نشسته است؟

رسول شعاعی/خبرگزاری ایرنا

نرگس رسولی

انتخاب علی ربیعی به عنوان نماینده رییس‌جمهور برای بررسی حادثه کشتی سانچی کافی بود که این سوال در ذهن برخی مخاطبان ایجاد شود تا چرا حسن روحانی از میان همه وزیران و معاونان خود، وزیر کار را برای پیگیری این حادثه انتخاب کرده تا راهی چین شود. چرا وزیر نفت یا بهداشت و درمان در این میان نقش خود را کمرنگ نشان دادند تا عملا شخص وزیر کار جزییات این حادثه را به گوش مخاطبان برساند.

پاسخ ساده است و افرادی که در دل دولت هستند یا در بخش‌هایی از اقتصاد ایران به فعالیت می‌پردازند به خوبی می‌دانند دلیل انتخاب ربیعی چیست. یکی از مجموعه‌های تحت نظر این وزارتخانه مالک ۶۶ درصد سهام شرکت ملی نفتکش ایران است. بدیهی است که در این میان وزارت نفت به عنوان نهاد تخصصی تنها یک عضو در هیات‌مدیره این شرکت داشته و عملا نه خود را موظف به پاسخگویی دانسته، نه به او اجازه داده شده که در این زمینه اطلاع‌رسانی نهایی را انجام دهد.

سیطره وزارت کار بر بنگاه‌های بزرگ کشور فقط به همین شرکت ختم نمی‌شود. ده‌ها نام بزرگ که هر کدام روزگار درخشانی در بخش تولید کشور داشتند امروز به عنوان یکی از شرکت‌های به ظاهر ضررده و مشکل‌دار از سوی این وزارتخانه مدیریت می‌شوند. این شرکت‌ها در دولت پیشین در قالب رد دیون به صندوق‌های بازنشستگی داده شده تا یکی از بدترین انواع واگذاری اموال دولتی از نظر مالکیت و مدیریت صورت گیرد.

ذوب‌آهن اصفهان، دخانیات ایران و زغال‌سنگ کرمان تنها بخش کوچکی از شرکت‌های بزرگ و مهمی است که در زیرمجموعه وزارت کار قرار گرفته و سهام مدیریتی آن به این وزارتخانه سپرده شده است.

اگر تا پیش از دولت دهم وزارت کار تنها به محل رفت و آمد برخی از کار بیکارشدگان و شاکیان از کارفرما اختصاص داشت، امروز به مرکز رفت و آمد مدیران دولتی تبدیل شده که حدود ۶ سال است از ساختمان سنگی وزارت صنعت به ساختمان فرسوده وزارت کار نقل مکان کرده‌اند.

وزارت کار رفاه و تعاون اجتماعی همانطور که از نامش پیداست وزارتخانه‌ای است عریض و طویل که در راستای کوچک‌سازی دولت در سال ۹۰ از ادغام وزارتخانه‌های رفاه و تامین اجتماعی، کار و امور اجتماعی و تعاون تشکیل شد. وزارتخانه‌ای که اگر چه بیشتر با نام «کار» خوانده می‌شود اما هنوز نتوانسته در بخشی که پاشنه آشیل اقتصادی دولت‌ها در همه دوران بوده موفق عمل کرده و در اشتغالزایی موفق ظاهر شود.

وزارتخانه با مجموعه‌های اقتصادی که در برخی مواقع شاید از ساختار خود وزارتخانه بزرگ‌تر هستند و موجب شده تا هر گاه که نامی از فعالیت‌های اقتصادی به میان آید پای این وزارتخانه به نحوی در آن فعالیت دخیل باشد. روالی که باعث شده تا نام بنگاهداری را بیش از هر نوع سیاستگذاری و تصمیم‌گیری برای این وزارتخانه در ذهن متبادر سازد.

طبق قانون در زیر مجموعه این وزارتخانه با نام‌هایی همچون سازمان تامین اجتماعی، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، صندوق مهر امام رضا، صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، سازمان بهزیستی، سازمان بیمه خدمات درمانی، بانک توسعه تعاون، مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت فنی و بهداشت کار، صندوق بازنشستگی کشور، موسسه کار و تامین اجتماعی، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری و تعاون و... مواجه می‌شویم. زیرمجموعه‌هایی که هر کدام ده‌ها و حتی صدها شرکت زیرمجموعه خود را مدیریت می‌کنند. به گونه‌ای که فقط سازمان تامین اجتماعی ۶ مجموعه بزرگ اقتصادی دارد که این مجموعه چند صد شرکت هستند که تنها هزار شرکت این مجموعه ارزشی بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان دارد و در مجموعه صندوق بازنشستگی ۱۸۷ شرکت وجود دارد. (بخشی از گفته‌های پورابراهیمی در ۲۲ آبان ماه در مجلس) شاید همین روال موجب شده تا نام بنگاهدار بیش از هر نام دیگری برازنده این وزارتخانه باشد.

روالی که بنا به اعتقاد کارشناسان اقتصادی به دلیل عدم مدیریت صحیح و واگذاری‌های غیر کارشناسی شده اجرای اصل‌های ۴۴ و ۴۳ قانون اساسی موجب شده تا وزیر این وزارتخانه همواره درگیر مدیریت زیرمجموعه‌های خود باشد.

اگر چه برخی از کارشناسان معتقدند که برخی سازمان‌های زیر مجموعه این وزارتخانه قابل واگذاری هستند و ادغام‌های دولت دهم نه تنها کمکی به کوچک‌سازی دولت نکرده بلکه موجب بزرگ‌تر شدن دولت مخصوصا در بخش رفاه اجتماعی شده است. البته همین گروه معتقدند که این روالی منطقی در تمام دنیاست و دولت باید با کوچک‌سازی صحیح در مجموعه‌هایی که می‌توانند دولتی نمانده به بخش رفاه اجتماعی برای بالندگی بیشتر کمک کنند. شاید همین امر موجب شده تا بخش کار در این وزارتخانه جزو مغفول مانده شده و تمرکز بیشتر وزیر و زیرمجموعه وی به دنبال تامین رفاه اجتماعی مردم شود.

گستردگی شرکت‌های وابسته به این وزارتخانه و زیرمجموعه آن کار را به جایی رسانده است که حتی زمانی که در بخش گردشگری یا دارویی کشور اختلالی ایجاد می‌شود باید گره این کلاف گم شده را در ساختمان قدیمی دولت در خیابان آزادی جست‌وجو کرد.

چرا وزارت کار بنگاهدار شد؟

وحید محمودی، اقتصاددان در خصوص دلایل بنگاهدار شدن وزارت کار نه سیاستگذار بودن می‌گوید: «این یک واقعیت است که حوزه وزارت کار هم از منظر ستادی و هم بنگاهی مجموعه بزرگی باشد و زمانی که در بخش اقتصادی آن را بررسی می‌کنیم به فربگی در این وزارتخانه مواجه می‌شویم که ناشی از وجود نهادهای عمومی دولتی است که به دلایل مختلف به این مجموعه بزرگ وزارتخانه اضافه شده که همگی به دلیل وجود این وزارتخانه در بخش رفاه اجتماعی است.» وی ادامه می‌دهد: «مهم‌ترین زیر مجموعه وزارت کار رفاه و تامین اجتماعی مجموعه شستا و صندوق بازنشستگی کشوری است. هرچند که همواره بحث اجرای صحیح اصل ۴۴ و کوچک‌سازی زیر مجموعه‌های وابسته به دولت وجود داشت اما از اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی برداشت صحیحی نشد و اجرای آن به انحراف رفت.» این اقتصاددان تاکید می‌کند: «در اجرای اصل ۴۳ و ۴۴ واگذاری بنگاه‌های وابسته به دولت به شکل دیگری انجام شد و در نهایت این بنگاه‌ها وابسته به حاکمیت یا دولت شدند. مثال روشن این موضوع رد دیون‌های دولتی بود که باعث واگذاری برخی نهادهای عمومی به مجموعه‌های دولتی شد. در حقیقت بدهی‌های دولتی با واگذاری برخی بنگاه‌های عمومی به دولت جبران شد روالی است که از دولت‌های پنجم و ششم آغاز شد و همچنان هم ادامه دارد.»

محمودی با اشاره به آمارهایی که نشان می‌دهد از کل مجموع واگذاری‌های دولتی تنها حدود ۱۳ درصد واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی واگذار شده است، می‌گوید: « طبق اصل ۴۳ قانون اساسی بخش‌های اقتصادی به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم‌بندی می‌شوند و قاعدتا بر این اساس باید واگذاری‌های دولتی به بخش تعاونی‌ها و خصوصی منتقل می‌شد اما با واگذاری‌های نادرست تنها بخش‌های دولتی فربه‌تر شدند.»

وی می‌افزاید: «به این طریق بنگاه‌های وابسته به شستا و صندوق بازنشستگی فربه‌تر شدند و طبق ساختار وزیر درگیر سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و در برخی مواقع بنگاه‌داری این مجموعه‌ها شد. در این بنگاه‌ها در برخی موارد حتی شاهد نفوذ مدیران دولتی تا سطح رییس‌جمهور در مدیریت این بنگاه‌ها بوده‌ایم.»

واگذاری‌ها به بیراهه رفت

این استاد دانشگاه در همین حال راهکار کارشناسی برای برون رفت از بنگاهداری وزارت کار را دست برداشتن بنگاهداری‌های دولتی می‌داند و معتقد است: «دولت باید با واگذاری صحیح بنگاه‌ها به سمت سرمایه‌گذاری در بورس و حوزه‌های اقتصادی مناسب پیش می‌رفت تا به گونه‌ای از بحث تصدی‌گری خارج شود اما متاسفانه به دلیل شیرینی رانت‌هایی که در بخش بنگاهداری‌های دولتی وجود دارد این واگذاری‌ها نیز به بیراهه رفت.»

محمودی با اشاره به اینکه این روال به بیراهه رفت و هم‌اکنون بنگاه‌های ناکارآمد و با رانت‌های فراوان داریم، تاکید می‌کند: «وجود این شرایط به اقتصاد لطمه می‌زند و به ناکارآمدی سیستمی منجر می‌شود. اصلاح این امر جدی بودن دولت را می‌طلبد؛ موضوعی که ظاهرا به تازگی از سوی رییس‌جمهور مطرح و مقرر شده تا خصوصی‌سازی به معنای واقعی شکل گیرد.»

وی با ابراز امیدواری به اینکه واگذاری‌های صحیح باید در دولت انجام شود، ادامه می‌دهد: «امیدواریم با روال صحیح واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش تعاونی و خصوصی دیگر شاهد فربه‌تر شدن شرکت‌های دولتی نباشیم چرا که وقتی بنگاه‌ها دولتی می‌شوند برخی مدیران دولتی با ارتزاق از این راه پرداخته و با انتصاب‌هایی که انجام می‌دهند تنها به گسترش نیروی انسانی بنگاه‌ها می‌پردازند.»

نیاز به بازگشت روح اصل ۴۴

این اقتصاددان با تاکید بر اینکه نیازمند اجرای صحیح اصل ۴۳ و ۴۴ هستیم می‌گوید: «هم‌اکنون برخی مجموعه‌های وزارت کار تنها اسم خصوصی را یدک می‌کشند و در واقع دولتی هستند مثل شستا، صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی یا حتی سهام عدالت که با نام خصوصی در حقیقت دولتی هستند. البته اینها به واگذاری‌های مجموعه‌های ستاد اجرایی فرمان امام و... نیز کشیده و تنها باعث عدم پویایی اقتصاد شده است.»

وی حتی اعتراضات اخیر مردم را نیز به این امر مرتبط می‌داند و می‌افزاید: «باید ساختار اقتصادی کشور اصلاح شود، باید برخی مدیران و مسوولان قبول کنند که بخشی از مدیریت خود را واگذار کنند تا اقتصاد پویاتر شده و اصلاح ساختار روی دهد. در حال حاضر همین ناکارآمدی‌ها از یک سو و افزایش شدید تقاضا برای پوشش‌های حمایتی باعث شده دولت با محدودیت شدید بودجه مواجه شود. موضوعی که موجب شد تا دولت در بودجه سال ۹۷، برای کمک به بخش‌های تامین اجتماعی ۵۰ هزار میلیارد تومان برای صندوق بازنشستگی کشوری در نظر گیرد و این روال در سال‌های آتی بیشتر هم خواهد شد.»

اجبار به دخالت در بنگاهداری

در همین رابطه احمد حاتمی یزد، اقتصاددان و مدیرعامل پیشین بانک صادرات اما نگاه دیگری دارد و معتقد است که «روال فعلی وزارت کار بنگاهداری محسوب نمی‌شود؛ وزارت کار فعالیت ستادی خود را انجام می‌دهد. برای مثال تامین اجتماعی که از زیرمجموعه‌های وزارت کار است وجوه مردمی بیمه کارگران و کارمندان خصوصی را می‌گیرد و به صندوق واریز می‌کند. این بنگاه موظف است این وجوه را در بخش‌های سودده سرمایه‌گذاری کند تا از محل سود آن به بازنشستگان، مستمری بگیران و دیگر زیرمجموعه‌هایش حقوق بدهد. در عین حال این بنگاه سالانه به ۴۰ میلیون نفر بیمه‌شدگان بهداشت باید پاسخگو بوده و هزینه‌های درمانی آنها را نیز پرداخت کند.»

وی می‌افزاید: «در همه دنیا صندوق‌های تامین اجتماعی وجود دارند و این وظایف را برعهده دارند و این تنها صندوق موجود در کشور نیست. بلکه بیش از ۲۰ صندوق در کشور داریم که مجموعه فعالیت شان به جمع زیادی از مردم وابسته است به این جهت نمی‌توان این فعالیت‌ها را بنگاهداری دولتی قلمداد کرد. در همه دنیا اینچنین بنگاه‌ها و صندوق‌هایی به سمت خرید شرکت‌های سود ده بورسی می‌روند تا از محل سود این شرکت‌ها پاسخگوی مجموعه خود باشند.» این اقتصاددان ادامه می‌دهد: «در همه دنیا مدیران این بنگاه‌ها و صندوق‌ها با مدیریت سهام‌هایی که خریده‌اند و فروش آنها در زمان زیان ده شدن سهام شرکت به مدیریت صندوق خود می‌پردازند اما در کشور ما ایرادی که به مدیریت این بنگاه‌ها و صندوق‌ها وارد است نحوه نگرش به مدیریت آنهاست؛ به گونه‌ای که مدیران بیشتر به دنبال منافع شخصی و استخدام‌های اقوام و آشنایان هستند که در نهایت منجر به بزرگ‌تر شدن بنگاه واگذار شده به آنها می‌شود.»

حاتمی یزد با تاکید بر اینکه این امر و عدم شناخت دقیق از نحوه مدیریت بنگاه‌های خصوصی شده موجب رکود در این بنگاه‌ها شده، می‌افزاید: «درحقیقت این مدیران اقتصاد را خوب اداره نمی‌کنند و شاید یکی از دلایلی که وزارت کار بنگاه‌های زیر مجموعه خود را مدیریت می‌کند درگیری بخش زیادی از مردم با فعالیت‌های این مجموعه‌هاست که موجب می‌شود تا وزیر در فعالیت‌های این مجموعه‌ها پر رنگ‌تر حضور یابد. این همان دلیلی است که دولت مجبور به تاثیرگذاری در این مجموعه‌هاست.»

برداشت نادرست از یک اصل قانونی

مهم‌ترین زیر مجموعه وزارت کار رفاه و تامین اجتماعی مجموعه شستا و صندوق بازنشستگی کشوری است. هر چند که همواره بحث اجرای صحیح اصل ۴۴ و کوچک‌سازی زیر مجموعه‌های وابسته به دولت وجود داشت اما از اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی برداشت صحیحی نشد و اجرای آن به انحراف رفت. در اجرای اصل ۴۳ و ۴۴ واگذاری بنگاه‌های وابسته به دولت به شکل دیگری انجام شد و در نهایت این بنگاه‌ها وابسته به حاکمیت یا دولت شدند. مثال روشن این موضوع رد دیون‌های دولتی بود که باعث واگذاری برخی نهادهای عمومی به مجموعه‌های دولتی شد.

فعالیت وزارت کار بنگاهداری نیست

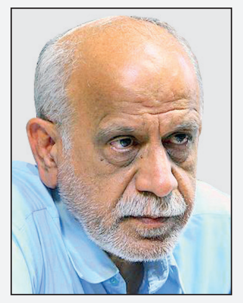

روال فعلی وزارت کار بنگاهداری محسوب نمی‌شود، وزارت کار فعالیت ستادی خود را انجام می‌دهد. برای مثال تامین اجتماعی که از زیرمجموعه‌های وزارت کار است وجوه مردمی بیمه کارگران و کارمندان خصوصی را می‌گیرد و به صندوق واریز می‌شود. این بنگاه موظف است این وجوه را در بخش‌های سودده سرمایه‌گذاری کند تا از محل سود آن به بازنشستگان، مستمری بگیران و دیگر زیرمجموعه‌اش حقوق بدهد. در عین حال این بنگاه سالانه به ۴۰ میلیون نفر بیمه‌شدگان بهداشت باید پاسخگو بوده و هزینه‌های درمانی آنها را نیز پرداخت کند.

ادامه از صفحه اول

چرا وزارت کار بنگاهدار شد

از سویی دیگر با توجه به اینکه در مجموعه وزارت کار و برخی وزارتخانه‌های دیگر بنگاهداری و تصدی‌گری دولتی وجود دارد، در سال ۹۳ به ماده ۶ قانون اصل ۴۴ اصلاحیه‌ای اضافه شد تا بر اساس آن ظرف ۵ سال شرکت‌ها بزرگ دولتی بیش از ۴۰ درصد در مجموعه‌های اقتصادی سهم نداشته باشند. بستر این کار از نظر قانونی مهیا شده و باید تا پایان سال ۹۸ این مهم انجام شده و نهادهایی به مانند شستا به جای تصدی‌گری در بنگاه‌ها به پرتفوگردانی مشغول شوند و سیاستگذار باشند نه بنگاهدار. با توجه به آنچه گفته شد وزارتخانه‌های کار و اقتصاد آستین‌های خود را برای خروج دولت از بنگاهداری بالا زده‌اند و به نظر می‌رسد که از سال آینده شاهد واگذاری سهام شرکت‌های بزرگ به بخش خصوصی باشیم تا در این میان هم دولت صاحب منابع جدیدی شود و هم اینکه با سپردن مدیریت به بخش خصوصی بهره‌وری بنگاه‌ها افزایش یافته و توسعه و نوسازی در آنها آغاز شود.

معاون حقوقی سازمان خصوصی‌سازی

نتایج انحصار در فضای مجازی

اگر رسانه ملی بتواند تنوع‌ها و سلایق مختلف را در نظر بگیرد اعتماد بیشتری را جلب می‌کند و آسیب‌هایی که در جریان حوادث اخیر شمرده می‌شود، پیش نمی‌آمد. رسانه ملی باید با مهندسی جدی در کار خود بازبینی کند. باید از عموم نخبگان بهره گیرد؛ نه فقط بخشی از نخبگان با سوگیری‌های خاص سیاسی. وقتی رسانه نام ملی می‌گیرد باید سپهر خود را بالای سر همه شهروندان گسترش دهد. اگر این اتفاق نیفتد میزان تاثیرگذاری‌اش کم می‌شود. در این صورت جامعه مجبور می‌شود نیازهایش را از طرق دیگری رفع کند.

فعال سیاسی اصلاح‌طلب

گمانه‌های غیرمسوولانه

ساده است اجازه می‌دهد کشتی ایرانی با پرچم پاناما وارد آب‌های کره شمالی شود و ناگهان تکاوران نیروی دریایی یا هر نیروی دیگری کشتی وارد شده به آب‌های کره‌شمالی را تصرف کنند. هرچقدر آقای ترامپ نامتعادل باشد و فرصت‌سوز این فرصت طلایی احتمالی را تحت هیچ شرایطی از دست نخواهد داد، کسانی که این شک و گمانه را در فضای مجازی پخش کردند سوی دیگر واقعیت را در نظر نگرفتند صاحب محموله دولت کره جنوبی است، نوع معاملات نفتی روی دریاها، قاعده و قانون خاص خود را دارد، محموله روی کشتی به مبلغ ۶۰ میلیون دلار به دولت کره جنوبی قبل از حادثه فروخته شده است و کره جنوبی به عنوان مالک محموله شناخته می‌شود باید از پخش‌کنندگان شک و گمانه بالا پرسید، آیا منطقی است رقیب اصلی کره شمالی یعنی کره جنوبی، نقش کاتالیزور را بازی کند و ژوکربازی برد و باخت ایران و کره شمالی باشد؟ کره جنوبی که همین چند روز پیش بعد از مدت‌ها درصدد اندک تنش‌زدایی با همسایه شمالی خود برآمد و هیات‌های کره‌ای در مدار ۳۶ درجه‌ای که نقطه تلاقی و اختلاف است با هم مذاکره کردند چگونه است که وجه‌المصالحه سود و زیان فروش نفت و مشتقات آن به کره شمالی بشود، می‌دانیم که اخیرا قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید مبنی بر محدودیت فروش نفت به کره شمالی و هر فروشنده‌ای که معامله مخفیانه با کره شمالی داشته باشد برابر قطعنامه شورای امنیت مورد مواخذه این شورا قرار می‌گیرد از طرفی در میانه اعتراضات چند روزه اخیر کشورمان، نماینده امریکا در سازمان ملل خانم نیکی هیلی که با خوش‌رقصی‌های خود می‌خواهد دل ترامپ را به دست آورد و کرسی وزارت امور خارجه امریکا را نشانه رفته تا اولین امریکایی هندی تبار باشد که بر کرسی وزارت امور خارجه امریکا تکیه می‌زند. اعمال و رفتار خانم نیکی هیلی و دشمنی او با اعراب فلسطین و خصومت ذاتی‌اش علیه ایران که از هر فرصت استفاده می‌کند تا بر شکاف موجود بین ایران و امریکا بیفزاید. خانم نیکی هیلی نبض رفتاری ترامپ را خوب رصد کرده است، ترامپ در ایام کارزار انتخاباتی وعده پاره کردن برجام و نیز انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را به لابی‌های پرنفوذ یهودی وعده داد تا با احداث سفارتخانه امریکا در زمین بزرگی که در بیت‌المقدس خریداری شده، مقدمات انتقال سفارت امریکا به بیت‌المقدس را فراهم آورد، نیکی هیلی بر طبل انتقال سفارت امریکا به بیت‌المقدس می‌کوبد و از هر فرصتی در سخنرانی‌های خود یا مسافرت به اسراییل این موضوع را دامن می‌زند تا در نظر لابی صهیونیستی خود را مناسب‌ترین گزینه برای وزارت امور خارجه امریکا قلمداد کند. حال اگر چنین فرصتی به هر علت از طرف ایرانی به امریکاییان داده شده باشد تا پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر محدودیت فروش نفت به کره شمالی، چنین اشتباهی را مرتکب شده باشند خانم هیلی عرصه سازمان ملل و شورای امنیت را به میدان رسیدن به خواسته‌های خود تبدیل خواهد کرد، نخست شرایط بین‌المللی صدور قطعنامه‌هایی علیه ایران به لحاظ زیر پاگذاشتن مصوبه شورای امنیت را به ایشان خواهد داد و خواب آشفته ترامپ را که اکثر وعده‌های انتخاباتی خود را عملی کرده و در موضوع برجام ناکام مانده است را به آرامش تبدیل خواهد کرد و تا به گروه ۱+۵ ثابت کند که این ایران است که به قواعد بین‌المللی پایبند نیست حال اینکه بر همه جهان خصوصا اروپاییان ثابت شده است که ترامپ بهانه‌جو درصدد است توپ عدم موفقیت برجام را به زمین ایران بیندازد. فضای مجازی هرچند بی‌دروپیکراست و می‌شود با شک و گمانه واقعیت‌ها را اقلب کرد تا جایی که دیگر رسانه‌ها که ظاهرا دارای اعتبار و عقبه مردم‌پسندی هستند از آشفته بازار گمانه‌پراکنی‌ها سود ببرند و علیه منافع ملی کشورمان قصه سر کنند اما نمی‌توان واقعیت‌ها را قلب کرد. جالب است کره جنوبی که خریدار محموله بوده و قانونا و عملا بعد از خرید محموله کشتی روی دریا صاحب آن است و مقصد کشتی هم معین و امریکا که در منطقه پر رفت و آمد دریایی این نواحی حضوری پررنگ دارد و مهم‌تر از همه پوشش کامل راداری منطقه به لحاظ سوق‌الجیشی بودن آن بر همگان روشن است و امکان ندارد در چنین شرایطی محموله‌ای ممنوع و تحریم شده به کره شمالی فروخته شود بازهم عده‌ای با گمانه‌زنی‌های خود علیه کشورمان قصه سر می‌دهند. سخن آخر اینکه چرا به این مرحله رسیدیم که ذهن و زبان عده‌ای به سوی مخالف و مخالفت‌خوانی گرایش پیدا کرده است هرچند قلب واقعیت باشد.

اقتصاد کلان

گزارش بانک مرکزی از کارنامه هشت ماهه اقتصاد ایران

هشدار به تثبیت تورم دو رقمی

گروه اقتصادی | گزارش بانک مرکزی تحت عنوان «گزیده آمارهای اقتصادی- آبان ماه ۱۳۹۶» حاکی از آن است که دولت موفق شده ۱۵ هزار میلیارد تومان در یک ماه به پروژه‌های عمرانی اختصاص دهد که رقمی چشمگیر است. البته این رقم به احتمال فراوان از طریق انتشار اسناد خزانه و اوراق مشارکت تامین شده است. همچنین نقدینگی در کشور به رقم ۱۴۲۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که هر چند از رشد ۲۲ درصدی نسبت به آبان ماه سال گذشته خبر می‌دهد اما نرخ رشد نقدینگی نسبت به آبان ماه ۱۳۹۵ به آبان ماه ۱۳۹۴ کمتر شده است. همچنین آمارهای نرخ تورم حاکی از آن است که به احتمال زیاد پیش از پایان سال جاری نرخ تورم دو رقمی خواهد شد.

دولت در هشت ماه امسال ۵۳ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان درآمد از محل واگذاری‌های سرمایه‌ای کسب کرد که سهم منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی ۵۳ هزار و ۶۸۰ میلیارد تومان بوده است. در این میان به طور مشخص فروش نفت خام در هشت ماه امسال به رقم ۴۰ هزار و ۲۴۰ میلیارد تومان رسیده است؛ این در حالی است که در هشت ماه پارسال ۲۷ هزار و ۴۰ میلیارد تومان نفت خام فروخته شده بود.

همچنین منابع حاصل از فروش اموال منقول و غیرمنقول در مدت یاد شده ۲۷۰ میلیارد تومان اعلام شده است.

درآمد ۶۰ هزار میلیارد تومانی مالیاتی

در هشت ماه نخست سال جاری، مجموع درآمدهای دولت اعم از مالیات، عوارض و حقوق گمرکی ۸۴ هزار و ۴۰ میلیارد تومان بوده که از این رقم ۶۰ هزار و ۶۰ میلیارد تومان آن به مالیات و بقیه به سایر درآمدها اختصاص دارد.

از مجموع کل درآمدهای مالیاتی کشور از ابتدای سال تا آبان ماه، سهم مالیات‌های مستقیم یعنی مالیات اشخاص حقوقی، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت ۲۹ هزار و ۹۸۰ میلیارد تومان است و ۳۰ هزار میلیارد تومان باقیمانده مربوط به مالیات‌های غیرمستقیم نظیر واردات، کالاها و خدمات و ارزش افزوده است.

پرداخت‌های هشت ماه دولت

تا پیش از آغاز آذرماه سال جاری، دولت ۱۴۳ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان بابت پرداخت‌های هزینه‌ای (جاری) و ۲۹ هزار و ۲۱۰ میلیارد تومان بابت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا همان پرداخت‌های عمرانی هزینه کرده است؛ با این اوصاف میزان پرداخت‌های عمرانی دولت در این مدت نسبت به مدت مشابه پارسال رشد ۵۱ درصدی یافته است که ناشی از افزایش درآمدهای نفتی آن است. این مهم در حالی است که در ۶ ماه نخست سال جاری تنها حدود هفت هزار و ۸۱۰ میلیارد تومان بودجه به بخش عمرانی کشور تعلق گرفته بود اما این رقم در مدت زمانی کوتاه محقق شده است. به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی دولت، آنها با انتشار و فروش اوراق مشارکت و اسناد خزانه موفق شدند در فاصله مهر تا آبان ماه امسال ۱۵ هزار میلیارد تومان منابع به پروژه‌های عمرانی اختصاص دهند. اهمیت ماجرا در آن است که اگر دولت موفق شود به درستی از این راهکار استفاده کند، می‌تواند در کوتاه‌مدت مشاغل بسیاری را ایجاد کند و تحرکی به بازار اقتصادی کشور ببخشد. اما اگر جوانب مختلف کار درست سنجیده نشوند، ممکن است نهایتا دولت تضغیف شده و وضعیت اقتصادی اسفناک‌تر شود.

همچنین دولت در این مدت ۵۸ هزار و ۳۳۰ میلیارد تومان از محل واگذاری دارایی‌های مالی نظیر اوراق مشارکت و اسناد خزانه درآمد داشته و در مقابل ۱۸ هزار و ۷۹۰ میلیارد تومان برای تملک اوراق سررسید شده هزینه کرده است.

رکورد نقدینگی باز هم شکست

حجم نقدینگی در آبان ماه امسال به بیش از یک هزار و ۴۲۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که نسبت به آبان ماه سال ۱۳۹۴ که حدود ۹۰۷ هزار میلیارد تومان بود بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رشد دارد.

همچنین میزان نقدینگی در مقایسه با آبان ماه سال گذشته از یک هزار و ۱۶۱ هزار میلیارد تومان به یک هزار و ۴۲۴ هزار میلیارد تومان رسیده که نشان‌دهنده رشد حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی در این مدت است. مقایسه درصد رشد حجم نقدینگی از این حکایت دارد که در آبان ماه امسال نسبت به همین ماه در سال گذشته ۲۲/۶ درصد رشد دارد که این آمار در قیاس با رشد ۲۸ درصدی که برای آبان ماه سال قبل نسبت به همین ماه در سال ۱۳۹۴ ثبت شده است، حاکی از کند شدن سرعت رشد است.

از سوی دیگر حجم نقدینگی در دوره هشت ماهه نیز کاهش دارد به طوری که در آبان ماه سال جاری نسبت به اسفند ماه سال گذشته ۱۳/۶ درصد رشد داشته، اما در آبان ماه ۱۳۹۵ نسبت به سال قبل از آن ۱۴/۲ درصد افزایش داشت.

عمده حجم نقدینگی را شبه پول تشکیل می‌دهد که خود شامل سپرده‌های بانکی می‌شود. در آبان ماه حجم شبه پول به یک هزار و ۲۵۳ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به پایان سال قبل ۱۵ درصد و در قیاس با آبان ماه سال ۱۳۹۵ تا ۲۳/۹ درصد افزایش دارد.

بخش دیگری از نقدینگی، پول در گردش است که به ۱۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده که خود رشد ۴/۶ درصدی در مقایسه با اسفند ماه و ۱۳/۹ درصدی نسبت به آبان ماه سال قبل دارد.

بدهی ۲۵۴ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک‌ها

بدهی بخش غیردولتی در آبان ماه سال جاری یک هزار و ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شده که به‌نسبت اسفندماه سال گذشته ۹/۷ درصد و به‌نسبت مدت مشابه سال گذشته ۱۷/۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. در عین حال، بدهی بخش دولتی در دوره مورد بررسی ۲۵۴ هزار میلیارد تومان است که نسبت به مدت مشابه سال ۹۵ به‌میزان ۲۱/۶ درصد و نسبت به اسفندماه سال گذشته ۱۵/۶ درصد رشد نشان می‌دهد.

بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در آبان ماه رقم ۶۳ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد که نسبت به اسفندماه گذشته ۹/۸ درصد و نسبت به آبان ماه سال گذشته ۲/۲ درصد رشد داشته است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در آبان ماه سال جاری ۱۱۰ هزار میلیارد تومان بود که نسبت به اسفندماه سال گذشته ۱۰/۸ درصد و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۹/۴ درصد افزایش یافته است.

میزان سپرده بانک‌ها و موسسات اعتباری نزد بانک مرکزی در آبان ماه سال جاری به رقم ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به اسفندماه ۱۴/۷ درصد و نسبت به آبان سال گذشته ۱۹/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی در آبان ماه رقم ۳۵ هزار میلیارد تومان بود که نسبت به اسفند سال گذشته منفی ۵/۲ درصد و نسبت به دوره مشابه سال قبل، منفی ۰/۶ درصد کاهش یافته است. وضعیت تورمی کشور نیز حاکی از آن است که خطر بازگشت تورم دو رقمی بیش از هر زمانی دیگر محتمل شده است. دولت یازدهم موفق شد در چهار سال نرخ تورم را به زیر ۱۰ درصد کاهش دهد و آن را تا پایان دوره خود حفظ کند. این مساله تبدیل به یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حسن روحانی در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش بود و توقع می‌رفت در دور دوم نیز این مهم ادامه یابد. اما به نظر می‌رسد دولت دوازدهم اکنون بازگشت رونق را هدف قرار داده و به همین دلیل ابایی از اجرای برنامه‌هایی که تا اندازه‌ای تورم‌زا و تحرک‌بخش هستند را ندارد. با این همه اگر تورم دو رقمی شود و برنامه مناسبی برای سیاست‌های مولدانه و رونق‌زا در دستور نباشد، آنگاه ممکن است مشکلات کشور بیش از چیزی شود که امروز هست.

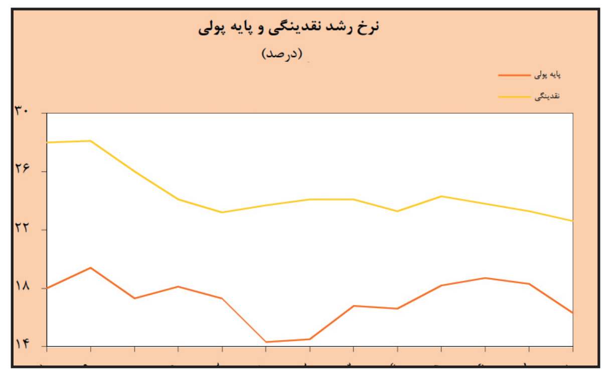

نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی

(درصد)

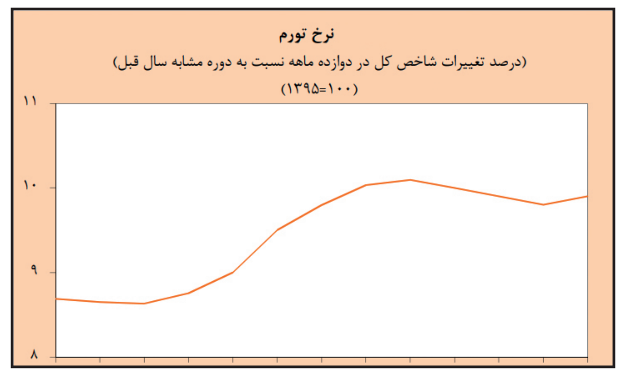

نرخ تورم

(درصد تغییرات شاخص کل در دوازده ماهه نسبت به دوره مشابه سال قبل)

(۱۳۹۵=۱۰۰)

بودجه

جزییات مصوبات کمیسیون تلفیق مجلس برای بودجه ۹۷

توقف احکام ورشکستگی بانک‌ها و ممنوعیت افزایش تعرفه

بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ در مجلس کلید خورده است. نمایندگان مجلس پس از آنکه انتشار این لایحه حواشی را به همراه داشت، قول دادند تا لایحه را با دقت بررسی کنند و هر جا که لازم بود در آن به سود مردم تغییراتی ایجاد کنند. حالا سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس از مصوبات نمایندگان مجلس در این مورد پرده‌برداری کرد و خبر داد: تا هفته دوم بهمن ماه بررسی مصوبات لایحه بودجه ۱۳۹۷ توسط کمیسیون تلفیق آغاز می‌شود. او همچنین خبر از ممنوعیت هر گونه افزایش تعرفه برای سال آینده داد و همچنین از مصوبه‌ای صحبت کرد که براساس آن دولت مکلف به پرداخت بخشی از داروهای بیماران نابارور از طریق بیمه سلامت شود که البته اتفاقی جدید در کشور محسوب می‌شود. علی‌اصغر یوسف‌نژاد گفت: کمیسیون تلفیق در مصوبه‌ای دولت را مکلف کرد بخشی از داروهای بیماران نابارور را مشمول بیمه سلامت قرار داده و بخشی از هزینه بیماران متابولیک، ام‌اس و بال پروانه‌ای و اوتیسم را همانند بیماران خاص محاسبه و پرداخت کند. سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور مجلس افزود: پرداخت‌های سازمان‌های بیمه‌گر درمانی پایه باید برای خدمات سرپایی تخصصی حداکثر طی مدت سه ماه پس از تحویل اسناد در شهرهای زیر ۱۰۰ هزار نفر اجرایی شود و ارایه‌کنندگان خدمات در سطوح مختلف مناطق فوق در اولویت قرار گیرند. برای تشویق مشتریان بانک و تسویه مطالبات بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری چنانچه مشتریان بدهی خود را تا پایان شهریورماه ۹۷ تسویه کنند، بانک‌ها مکلف هستند جرایم مربوطه را ببخشند. تمامی احکام صادره ورشکستگی علیه بانک‌های رسمی کشور که صادر شده یا استناد می‌شود در هر مرحله‌ای متوقف و برای رسیدگی توسط هیاتی متشکل از عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، نماینده بانک مرکزی، نماینده دادستان کل کشور و نماینده دیوان عالی کشور تشکیل و تصمیم گرفته می‌شود، حکم آنها لازم‌الاجراست. وی ادامه داد: کلیه دستگاه‌های مشمول ماده ۲۹ برنامه ششم توسعه و ماده پنج قانون مدیریت خدمات کشوری مجاز نیستند از سپرده‌گذاری کوتاه و بلندمدت خود نزد بانک سود دریافت کنند و حساب‌های آنها که تحت هر عنوانی قبل از تصویب این قانون افتتاح شوند، سود آنها به حساب‌های اختصاصی آنها نزد دستگاه، واریز و به صورت ۱۰۰ درصد تخصیص یافته بر اساس قانون محاسبات عمومی هزینه شود، دیوان محاسبات مجاز به رسیدگی این حساب‌ها است. یوسف نژاد افزود: مجلس شورای اسلامی در هفته دوم بهمن ماه بررسی مصوبات کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ را آغاز می‌کند. سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس همچنین به مصوبات جلسات روز گذشته کمیسیون تلفیق بودجه مجلس اشاره کرد. یوسف‌نژاد ادامه داد: همچنین دولت مکلف شد برای حمایت از کشاورزان در قالب جبران بخشی از یارانه سود و کارمزد سود، تسهیلات بانکی و کمک‌های بلاعوض، پرداخت یارانه‌ها و سایر مشوق‌ها را از محل طرح‌های کمک‌های فنی اعتباری بخش کشاورزی و منابع طبیعی اختصاص دهد. یوسف نژاد افزود: همچنین براساس تصمیم این کمیسیون بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌تواند به تعداد چهار هزار و ۵۰۰ فقره وام مسکن از محل سهمیه سال ۱۳۹۷ را برای ایثارگرانی که در سنوات قبل از این تسهیلات خود را استفاده کرده‌اند، مجددا تخصیص دهد. او ادامه داد: با تصویب اعضای این کمیسیون دستگاه‌های موضوع ماده پنج قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه و شوراهای اسلامی شهر و روستا مکلف شدند به گونه‌ای اقدام و نظارت کنند که در سال ۱۳۹۷ تعرفه، عوارض و بهای خدمات از جمله تعرفه و ارزش نسبی خدمات بهداشتی و درمانی و دریافتی پزشکان نظام پزشکی، مهندسان نظام مهندسی ساختمان، کشاورزی، وکلا، کارشناسان دادگستری، نظام دامپزشکی و امثال آن، غیر از موارد مصرح در این قانون افزایش نیابد. یوسف‌نژاد تاکید کرد: افزایش هرگونه تعرفه، عوارض و بهای خدمات توسط دستگاه‌ها و نهادهای مذکور به هر نحو ممنوع است. سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس یادآور شد: تعرفه خدماتی که توسط بخش خصوصی به استناد موارد فوق‌الذکر ارایه می‌شود، مشمول این بند نبوده و تعرفه آنها معادل نرخ تورم اعلامی سال ۱۳۹۶ بانک مرکزی افزایش پیدا می‌کند.

یادداشت

نگرانی از فراموشی مطالبات

فرامرز توفیقی

تثبیت قیمت سوخت برای اقشار مزدبگیر خبر خوبی است اما این نگرانی وجود دارد که دولت تصور کند با این اقدام، به مطالبه حفظ و تقویت قدرت خرید مزدبگیران پاسخ داده است.

جامعه کارگری بیش از این تاب کوچک شدن سفره‌اش را ندارد. دیگر جایی برای کوچک شدن سفره مزدبگیران وجود ندارد. طبق محاسبات کمیته مزد شورای عالی کار، قدرت خرید کارگران از زمان هدفمندی یارانه‌ها تا امروز ۷۸۰ درصد کاهش داشته است. به عبارتی ۱۰۰ تومانی که کارگر قبل از هدفمندی دریافت می‌کرد امروز ۲۲ تومان ارزش دارد. در این میان، قیمت سوخت یکی از کالاهای موثر است اما عوامل دیگری هم در آن دخیلند از جمله دستمزدی که در این سال‌ها از معاش عقب افتاده است. کاهش ارزش دستمزد از سالی که هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد و شاهد جهش قیمت‌ها بودیم تا امروز جبران نشده است. آن زمان دولت از جامعه کارگری درخواست همکاری کرد تا بعد از هدفمندی یارانه‌ها جبران شود. این بدقولی از جانب نهاد دولت انجام شده و دولت فعلی هم موظف به جبران این زیان به مزدبگیران بوده است. از سوی دیگر زنجیره وقایع اقتصادی باعث کاهش قدرت خرید شده است. دولت‌ها آمدند تورم را مهار کنند که رکود اقتصادی حاکم شد. با رکود، عدم اشتغال و بیکاری به وجود آمد. از طرفی چون نتوانستیم صنعت‌مان را با تکنولوژی روز منطبق کنیم کاهش موقعیت شغلی پدید آمد. این موج جمعیتی دهه شصت و اوایل دهه هفتاد که از دانشگاه‌ها بیرون آمده بود باعث بی‌نظمی و اخلال در عرضه و تقاضای بازار کار شد. این وضع جامعه کارگری را به سمتی برد که امروز در توصیف وضعیت‌مان باید گفت «مفلوک» چون دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم. شما با کارگرانی مواجهید که سبد معیشت‌شان را از دست داده‌اند. در این شرایط کارگر هزینه‌های سنگین تحصیل فرزندانش را پرداخته اما اکنون شغلی برای آنها پیدا نمی‌شود.

در این وضع دولت به جای آنکه جلوی بالا رفتن بیشتر هزینه‌های سبدمعاش را بگیرد، دایم شاهد افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مان هستیم. جامعه حقوق‌بگیر برای جبران این کمبودها و تامین سبد معاشش به سراغ کالاهای ضروری جایگزین ارزان‌قیمت‌تر رفته و همین عامل باعث افزایش هزینه‌های خانوار در بخش درمان شده است. در این میان چون سهم دولت در سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمی‌شود، بسیاری از خدمات درمانی رایگان نیست و بار این بیماری‌ها نیز به دوش خانواده‌های مزدبگیر افتاده است. در این وضع، جامعه کارگری دیگر توانی برای ادامه ندارد. اینکه خبری می‌شنویم که سوخت گران نشود، طبیعتا خبر خوبی است اما نگرانیم مطالبات واقعی‌مان در برابر پیشنهاد توقف افزایش نرخ سوخت گم شود. برای حفظ و تقویت قدرت خرید چند پیشنهاد مشخص داریم. اول، دستمزدها واقعی شوند تا جلوی افزایش شکاف بین دستمزد و سبد معیشت گرفته شود. در واقع با عینیت بخشیدن به ماده ۴۱ قانون کار، دولت و کارفرمایان سهم‌شان را در تامین سبد معیشت نیروی کار بپردازند. دوم، با اجرای ماده هفت قانون کار، امنیت شغلی نیروی کار تامین شود و قراردادهای موقت برای کارهای دایمی متوقف شود.

سوم، دولت با پرداخت بدهی‌های انباشته‌اش به سازمان تامین اجتماعی و احترام به مالکیت بین‌النسلی این صندوق بیمه‌گر، این نهاد را در تامین هزینه‌های درمان و سلامت نیروهای کار یاری کند.

رییس کمیته مزد شورای عالی کار

نگاه

معنی اقتصادی تسویه حساب با مالباختگان «غیرمجازها»

احسان حبیب‌پور

علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی چندی پیش در نطق خود در اشاره به مشکلات موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز اظهار داشت: «برخی مشکلات در کشور به وجود می‌آید که نیازمند سرعت عمل در حل آنهاییم نظیر مسائلی که در موسسات اعتباری حادث شد وقت زیادی در کشور صرف هماهنگ‌سازی در این زمینه شد و همین زمان باعث نگرانی سپرده‌گذاران شد. گرچه امروز در مراحل نهایی حل این مشکل قرار داریم لیکن بانک مرکزی باید با سرعت عمل بیشتری پیگیر حل موضوع باشد.»

برای اینکه ببینیم منظور رییس مجلس از «هماهنگ‌سازی»هایی که به آن اشاره می‌کند چیست و نیز اگر بانک مرکزی توان حل مسائل و مشکلات برخاسته از موسسات مالی غیرمجاز را دارد، چه عاملی سبب می‌شود با سرعت عملی که «مطلوب» تلقی می‌شود عمل نکند، باید به نکاتی که در پی می‌آید توجه کرد.

مساله موسسات غیرمجاز اینگونه آغاز شد که به دلیل وجود خلأهای قانونی در حوزه بازار پولی، عده‌ای بدون مجوز بانک مرکزی دست به تاسیس موسسات اعتباری زدند و اقدام به جذب سپرده از مردم کردند. این موسسات به دلیل فقدان نظارتی که بر آنها بود مشکلاتی را در بازار پول رقم زدند و چون به درستی و به شیوه‌ای سالم اداره نمی‌شدند بدهی‌های فزاینده‌ای به بار آوردند. تا جایی که از زمانی نتوانستند تعهدات‌شان در قبال سپرده‌گذارانی که برای دریافت سپرده خود به آنها رجوع می‌کردند را برعهده گیرند. با بزرگ‌تر شدن ابعاد مساله و قرار گرفتن آن جزو دغدغه‌های سیاسی مسوولان، راه‌حلی که برای حل مشکل این موسسات در نظر گرفته شد رجوع به بانک مرکزی و درخواست از این نهاد برای برعهده گرفتن تعهداتی بود که موسسات مذکور از ایفای آن ناتوان شده بودند. اوایل این هفته بود که عباس آخوندی، وزیر راه اعلام کرد که: «۱۱ هزار میلیارد تومان از سوی بانک مرکزی تامین اعتبار شده است و شگفت آنکه موسسان و مدیران آنها-موسسات غیرمجاز- آزادانه به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند و طلبکار ملت و دولت نیز هستند و حتما در ناآرامی‌های اخیر نیز هیچ مداخله‌ای نداشته‌اند.»

در واقع تاکنون بانک مرکزی با پرداخت ۱۱ هزار میلیارد تومانی مستقیم، مقدار قابل توجهی به پایه پولی کشور افزوده است. حال باید دید که این تامین منابع توسط بانک مرکزی که از طریق «دکمه چاپ پول» صورت می‌گیرد چگونه آثار و تبعاتی برای اقتصاد در بر خواهد داشت.

وظیفه بانک مرکزی آن است که برای کنترل تورم و متغیرهای اسمی اقتصاد سیاستگذاری پولی کند، از طریق وضع مقررات و نظارت بر موسسات مالی ثبات مالی را تامین کند و برای جلوگیری از مشکلات و بروز سوءاستفاده‌های احتمالی توسط بانک‌ها بر آنها نظارت کند. همان‌طور که اشاره شد در موضوع اخیر به دلیل ضعف‌های قانونی و نظارتی در حوزه پولی کشور این موسسات به صورت غیرمجاز و بدون نظارت توسط بانک مرکزی ایجاد شدند و سپرده‌های کلانی را از مردم جذب کردند. آنها برای جلب نظر هرچه بیشتر سپرده‌گذاران، سودهای سپرده را به صورت غیرواقعی بالا بردند و بهره‌های بالایی را به سپرده‌گذاران خود وعده دادند. این باعث می‌شد که افراد بیشتری برای کسب سودهای افسانه‌ای منابع خود را در اختیار این موسسات قرار دهند و این خود سبب می‌شد که بدهکاری این بانک‌ها روزبه‌روز و به صورت فزاینده‌ای بیشتر شود. تا این مرحله هیچ‌گونه دست‌اندازی و نظارتی در کار این موسسات توسط نهادهای ذی‌ربط صورت نگرفت. این روند تا جایی ادامه یافت که سپرده‌گذاران برای بازپس‌گیری سپرده‌های کلان خود و دریافت سود آن، به این موسسات مراجعه کردند. بعد از ناتوانی این موسسات در پرداخت تعهدات‌شان، نهایتا کار به اینجا رسید که بانک مرکزی به دلیل اینکه چون دیگر کاری از کسی برنمی‌آمد خود باید تعهدات این موسسات را ایفا کند. ۱۱ هزار میلیارد تومان اعتباری که از منبع بانک مرکزی باید به سپرده‌گذارانی که در این نهادهای غیرقانونی سپرده‌گذاری کردند پرداخت شود، سبب افزایش پایه پولی و از طریق آن نقدینگی و تورم ناشی از آن خواهد شد. به تعبیر دیگر برای حل مشکل چند موسسه غیرمجاز، همه مردم کشور از طریق پرداخت هزینه‌های افزایش تورم متضرر خواهند شد. در واقع در اتفاق صورت گرفته، برای حل مشکلات ناشی از ناکارآمدی‌های موجود در حوزه پولی کشور منابعی از طریق پرداخت «مالیات تورمی» از همه مردم اخذ شده است. به این معنا که ارزش پول در اختیار همه مردم پایین می‌آید تا از طریق آن تعهدات موسسات غیرمجاز به سپرده‌گذاران‌شان برآورده شود.

چرا انضباط پولی مهم است؟

تورم بالا به دلیل ایجاد نااطمینانی در اقتصاد، اثرات مخرب توزیع درآمدی، افزایش هزینه‌های نگهداری پول، انحراف در قیمت‌های نسبی و... صدمات زیادی به اقتصاد وارد می‌کند و از رفاه مردم می‌کاهد. اما تورم چگونه ایجاد می‌شود و چگونه باید آن را کنترل کرد؟ تورم یک پدیده صرفا پولی است. به این معنی که تنها عاملی که - حداقل در بلندمدت- سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد را مشخص می‌کند میزان پولی است که توسط بانک‌های مرکزی چاپ می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که در همه کشورها، سرعت رشد قیمت‌ها روندی متناسب با سرعت چاپ پول در کشور دارد. یعنی به هر میزانی که پول چاپ‌شده توسط بانک مرکزی افزایش یابد متناسب با آن سطح قیمت‌ها نیز افزایش می‌یابد. حال ممکن است رسیدن به سطح جدید قیمت‌ها در زمان طولانی‌تر یا کوتاه‌تری اتفاق بیفتد اما در نهایت حتما تمام اثر پول چاپ‌شده توسط بانک مرکزی از طریق ایجاد تورم و افزایش متناسب در سطح قیمت‌ها در اقتصاد تخلیه می‌شود. بنابراین با چاپ پول توسط بانک مرکزی و پرداخت آن به یک بخش خاص، به دلیل ایجاد تورم در واقع ارزش پولی که در اختیار همه آحاد اقتصادی قرار دارد کاسته می‌شود. به نوعی آنها مالیاتی پرداخت کرده‌اند که مالیات تورمی نامیده می‌شود. با توجه به مواردی که در پیش گفته شد تنها نهادی که در بلندمدت می‌تواند و همچنین وظیفه دارد که تورم را کنترل کند سیاستگذار پولی است که اصولا باید بانک مرکزی باشد. چون این نهاد توان این را دارد که با فشردن یک دکمه هر مقدار پول را بدون هزینه چاپ کند، در یک حالت اصولی به بانک‌های مرکزی استقلال اعطا می‌شود تا از این طریق بتوانند وظایفی که به آنها محول می‌شود را تحت نظارتی که صورت می‌گیرد ایفا کنند. چون مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی کنترل تورم است، با توجه به مواردی که در پیش گفته شد تورم پایین و باثبات فقط با ایجاد یک استقلال و انضباط پولی محقق خواهد شد. یعنی بانک مرکزی باید برکنار از انگیزه‌ها و مصلحت‌ورزی‌های سایر بخش‌های اقتصادی و سیاسی، خود سیاستگذاری پولی را به عهده بگیرد. حال در صورتی که بانک مرکزی استقلال نداشته باشد و افسار آن در اختیار بخش‌های دیگر و با قدرت بیشتر قرار بگیرد، به صورت منطقی مسائل و مشکلات موجود در سایر بخش‌های اقتصاد، سیاستگذار پولی را به دنبال خود می‌کشانند و با اعمال فشار او را مجبور به استفاده از دکمه چاپ پول می‌کنند. این امر سبب می‌شود که بانک مرکزی، به چشم نهادی به عنوان حلال برای همه مشکلات اقتصادی و مالی نگریسته شود و در نتیجه انگیزه‌ها به جای اصلاح ناکارآمدی‌ها و سوءرفتارهای اقتصادی، به سمت وارد آوردن فشار بیشتر به این نهاد متوجه باشد. نهادی که می‌تواند با هزینه پنهان اخذ مالیات تورمی از آحاد مردم، بر مشکلات و ناکارآمدی‌های اقتصادی سرپوش بگذارد. حال شاید بهتر بتوان از این سخن رییس مجلس که بانک مرکزی باید با سرعت عمل بیشتری عمل می‌کرد تصویری به دست آورد.

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه شریف